اخاذی‌های مرد شیاد از زنان

مردی که با اغفال زنان و دختران در فضای مجازی آنها را به خانه‌اش دعوت می‌کرد و با تهدید فیلم‌های سیاه از آنها اخاذی می‌کرد، بازداشت شد.

به گزارش سایت پلیس، سرهنگ حسین فاضلی، فرمانده انتظامی شهرستان دماوند دراین‌باره گفت: از چندی پیش خانم‌ها و دختران جوانی با حضور در پلیس امنیت عمومی فرماندهی انتظامی شهرستان دماوند از مردی به اتهام اخاذی با تهیه فیلم سیاه شکایت کردند. در جریان تحقیقات بعدی پلیسی سرانجام رد متهم فراری به دست آمد و او بازداشت شد. وی افزود: متهم به اداره پلیس منتقل و اظهارات ضدونقیضی را مطرح کرد اما زمانی که در مواجهه با شاکیان از سوی آنها شناسایی شد به‌ناچار سکوت خود را شکست و به جرم خود اعتراف کرد. با تحقیق از متهم پرونده معلوم شد که او با طرح دوستی با خانم‌ها و دختران جوان در فضای مجازی آنها را اغفال کرده، به خانه‌اش کشانده و از آنها فیلم سیاه تهیه کرده و با تهدید به انتشار آن از شاکیان اخاذی می‌کرده است.

پشت صحنه یک ماجرا

گفت‌وگو با مرد شیشه‌ای که شوهر همسر سابقش را کشت

طاقت ازدواج همسر سابقم را نداشتم

معصومه ملکی
حوادث

بهرام ۴۳ ساله، بیش از گذشت هفت ماه است که به اتهام قتل شوهر جدید زن سابقش بازداشت شده و در زندان به سر می‌برد. او آن‌قدر به زن سابقش علاقه داشت که حاضر نبود بعد از جدایی، این زن با فرد دیگری ازدواج کند. زمانی که فهمید او با فرد دیگری ازدواج کرده، نتوانست بر خشم خود غلبه کند و در اقدامی عجیب به مقابل خانه جدید این زن در یکی از محله‌های تهران رفت و او را با ضربه‌های چاقو زخمی کرد و شوهر وی را به قتل رساند. قرار است او به اتهام این جنایت به زودی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شود. در «پشت صحنه یک جنایت» این هفته با این متهم به قتل گفت‌وگو کردیم و مریم خلیفه، دادیار اجرای احکام دادسرای جنایی تهران هم در یادداشتی ریشه‌های این جنایت را تحلیل کرده است.

به گزارش خبرنگار جام جم و بر اساس اوراق پرونده، بهرام بهار امسال وقتی برای دیدن دو فرزندش به مقابل خانه جدید زن سابقش رفت، مردی در خانه را روی او گشود. وقتی فهمید که این مرد شوهر جدید زن سابقش است با چاقویی که همراه داشت مرد جوان را به قتل رساند و با ورود به خانه او، همسر سابقش را هم مجروح کرد و گریخت. متهم بعد از دستگیری در تحقیقات اعتراف کرد که نمی‌توانسته تحمل کند همسر سابقش با فردی دیگر ازدواج کند، به خاطر همین مرتکب این جنایت شده است.

اعتیاد، همسر و بچه‌هایم را از من گرفت

عشق و علاقه دو کلمه‌ای است که عامل جنایت بر زبان می‌آورد و می‌گوید به خاطر این دو کلمه بود که قاتل شدم. من زن سابقم را دوست داشتم و علاقه و عشقم نسبت به او بعد از جدایی کم نشد. شاید اگر او به من فرصت دوباره می‌داد و ازدواج نمی‌کرد اکنون دستم به خون آلوده نمی‌شد و کنار او و فرزندانم بودم.

از زندگی قبل از زندان بگو.

مغازه لباس‌فروشی داشتم و همراه زن و بچه‌هایم زندگی خوبی داشتم اما همه چیز به خاطر تغییر رفتارم نابود شد.

چرا؟

چون من معتاد شدم. یکی از مغازه‌داران که همسایه‌ام بود مواد مصرف می‌کرد و مرا کم‌کم آلوده به شیشه کرد. کسب‌وکارم را از دست دادم. زندگی‌ام دگرگون شد. زنم از من جدا شد و به عنوان فروشنده در مغازه‌ای مشغول به کار شدم.

ترک کردی؟

چند بار زنم تلاش کرد که من اعتیادم را ترک کنم که نشد. چند بار در کمپ بستری شدم و بعد که بیرون آمدم دوباره اعتیادم شروع شد.

همسرت را دوست داشتی؟

بله. هنوز هم او را دوست دارم. مقصر این همه بدبختی در زندگی من و خانواده‌ام خودم و اعتیادم بودم. بعد از طلاق همچنان دوستش داشتم و گمان می‌کردم هیچ‌وقت ازدواج نمی‌کند و دوباره زندگی را از سر می‌گیریم که نشد.

بچه‌ها را ملاقات می‌کردی؟

چند ماه اول جدایی‌ام حال و روزم خوب نبود و نشد بچه‌ها را ملاقات کنم اما بعد از آن هرازگاهی او را می‌دیدم.

چرا قاتل شدی؟

مقتول با زن سابقم ازدواج کرده بود. نمی‌توانستم این موضوع را تحمل کنم و آن مرد را کشتم.

از شب جنایت بگو.

چند ماه بود بچه‌ها را ندیده بودم و مادرشان خانه را مدام عوض می‌کرد تا من مزاحم آنها نشوم اما من نمی‌توانستم علاقه‌ام را به او فراموش کنم و دست از بچه‌هایم بکشم. سرانجام رد او را یافتم. چون بچه‌ها را از من دور کرده بود، ناراحت بودم. چاقویی از خانه برداشتم و مقابل خانه جدید آنها رفتم. آن شب وقتی در زدم، مردی در را باز کرد. سراغ زن سابقم و بچه‌ها را گرفتم که گفت شوهر اوست و خواست دیگر مزاحم آنها نشوم. اعصابم به‌هم ریخت و با چاقویی که دستم بود او را زخمی کردم که همسر سابقم بیرون آمد و او را هم زخمی کرده و متواری شدم. چند روز فراری بودم و وقتی بازداشت شدم فهمیدم آن مرد فوت شده است.

پشیمانی؟

بله. اعتیادم مرا به اینجا کشاند.

بچه‌هایت در زندان به ملاقاتت آمدند؟

یک‌بار به زندان آمدند و هرازگاهی با آنها تلفنی حرف می‌زنم. دلم برایشان تنگ شده اما دوست ندارم مرا در زندان ببینند و غصه بخورند، دیگر نخواستم به ملاقاتم بیایند.

از شرایط زندان بگو.

زندان است دیگر. برای قصاصی‌ها که هتل نیست. دور از خانه و خانواده‌ای. همه افراد دور و برت مثل خودت زیر حکم هستند. کمتر امید به آزادی دارم. سعی می‌کنم با قرآن خواندن و ورزش روزگارم را در زندان بگذرانم. اعتیادم را ترک کردم. روزهای زندان خیلی سخت است، به‌خصوص برای قصاصی‌های بلاتکلیف در زندان.

فکر می‌کنی بخشیده شوی؟

خانواده مقتول برایم قصاص خواسته‌اند اما هنوز امیدوارم شاید یک روز مرا ببخشند.

چهارشنبه‌های زندان؟

روز خیلی سختی است. روز رفتن پای چوبه‌دار است. نمی‌دانی قصاص می‌شوی یا تو را می‌بخشند. با شنیدن خبر اعدام زندانیان ناراحت می‌شوم و به این فکر می‌کنم که چه زمانی نوبت من می‌شود.

بعد از جدایی مزاحم هم نباشیم

مریم خلیفه
دادیار اجرای احکام دادسرای جنایی تهران

در این پرونده شاهد هستیم مردی بعد از جدایی از همسرش او را زخمی کرده و شوهر جدید وی را به قتل رسانده است. متهم معتاد به شیشه بوده که همین باعث شده بعد از سال‌ها زندگی مشترک و با داشتن دو فرزند جدا شود. این در حالی است که متهم حتی بعد از جدایی، همسرش را دوست داشت و نمی‌توانست به این باور برسد که او دیگر نسبت به وی حقی ندارد و برعکس وی نیز حقی نسبت به او ندارد. متهم نسبت به زن سابقش احساس تملک داشت و نمی‌توانست تحمل کند که او دوباره ازدواج کند که سر همین موضوع باعث قتل شوهر جدید او شد. شاید اگر عامل جنایت اعتیادش را ترک می‌کرد و سعی در بهتر شدن زندگی‌اش داشت طلاق نمی‌گرفت و اکنون به‌عنوان قاتل بازداشت نمی‌شد. از نظر قانونی متهم در برابر مجازات قصاص قرار دارد مگر آن‌که اولیای دم او را ببخشند. خانواده‌ها برای حل مشکلات خانوادگی بیشتر باید بکوشند و روحیه گذشت نسبت به هم داشته باشند. اگر زوجین با هم سازگار نبوده و قصد جدایی دارند، باید بدانند بعد از طلاق مالک یکدیگر نبوده و حقی نسبت به هم ندارند، چون هرکدام سمت زندگی جدید خودشان می‌روند. باید به هم احترام بگذارند و دیگر در زندگی شخصی یکدیگر دخالت نکنند و از بروز مشکلات برای هم خودداری کنند تا شاهد چنین حوادث تلخی در خانواده‌ها نباشیم.

سارق شیطان‌صفت تحت تعقیب پلیس

پسر شیک‌پوش بعد از آشنایی با یک زن در اینستاگرام به خانه‌اش راه یافت و بعد از تجاوز و سرقت طلاهایش فرار کرد. پلیس تحقیقات برای دستگیری مرد شیطان صفت را آغاز کرده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دو روز پیش زن جوانی با حضور در دادسرای ناحیه ۳۴ تهران از پسر جوانی به اتهام سرقت طلاهایش و آزار و اذیت شیطانی او شکایت کرد.

پرونده این زن به پلیس آگاهی تهران ارسال شد و شاکی مورد تحقیقات قرار گرفت و گفت: چند ماه پیش در اینستاگرام با پسری آشنا شدم. او مدعی بود تجارت می‌کند و پولدار است. عکس‌هایش را کنار خودرو و خانه‌های لاکچری منتشر می‌کرد و همین باعث شد فکر کنم، پولدار است. اعتمادم را جلب کرد و چند بار بیرون از خانه با هم ملاقات داشتیم. او با خودروهای لاکچری به محل قرار می‌آمد و مرا به رستوران‌های شیک می‌برد. فرشید روز تولدم به من زنگ زد و وقتی فهمید خانواده‌ام خانه نیستند، گفت برایم هدیه تولد خریده و اصرار کرد نشانی را بدهم تا هدیه را برایم بیاورد که پذیرفتم و نشانی را به او دادم و به خانه‌مان آمد. وقتی در را بازکردم منتظر او با هدیه تولدم بودم اما با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. او چاقویی را زیر گلویم گذاشت و با تهدیدم وارد خانه شد. خواستم فریاد بزنم و همسایه‌ها را خبرکنم که مرا به مرگ تهدید کرد. کشان‌کشان مرا به اتاق برد و زندانی کرد، التماس کردم رهایم کند و بلایی سرم نیاورد که قبول نکرد.

وی افزود: فرشید به زور مرا مورد تجاوز قرار داد و بعد مرا کتک زد، طلاهایم را که حدود ۵۰ میلیون تومان ارزش داشت، سرقت و تهدید کرد که نباید شکایت کنم درغیر این‌صورت باز می‌گردد و من و خانواده‌ام را به قتل می‌رساند. می‌گفت دختران و زنان زیادی را مورد تجاوز قرارداده و اموالشان را دزدیده است. حتی مخفیانه از رابطه‌مان فیلم و عکس تهیه کرده و در ادامه با انتشار آن مرا تهدید می‌کرد. حال‌وروز خوبی نداشتم و افسرده شده بودم تا این‌که تصمیم گرفتم از تهدیدهایش نترسم و از آن جوان شکایت کنم.

چهره‌نگاری از متهم فراری انجام شد و او تحت‌تعقیب پلیس قرار گرفت تا با دستگیری وی راز دیگر جرایم سیاهش فاش شود.

اسیدپاشی، پایان رابطه با آقای دکتر

رابطه دانشجوی سال آخری پزشکی با یکی از همکلاسی‌هایش با اسیدپاشی پایان گرفت. دختر و پسر جوان یکدیگر را متهم به اسیدپاشی کرده‌اند و پرونده برای رسیدگی به دادگاه کیفری ارسال شده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، فروردین ۹۵ پسر جوانی که از ناحیه دست و صورت با اسید سوخته بود به بیمارستانی در تهران آمد و درخواست کرد محل سوختگی‌هایش پانسمان شود. دقایقی بعد دختر جوانی به همان بیمارستان آمد که او هم با اسید سوخته بود.

حراست بیمارستان که به این موضوع مشکوک شده بود با پلیس تماس گرفت و موضوع را خبر داد. با حضور پلیس در بیمارستان و تحقیقات اولیه مشخص شد، این دختر و پسر جوان با هم ارتباط داشته و از سوی مردی ناشناس هدف اسیدپاشی قرار گرفته‌اند. پسر جوان به ماموران گفت: امروز لیدا به خانه‌ام آمد و چند دقیقه بعد صدای زنگ در را شنیدم. در را باز کردم که مردی ناشناس ظرفی در دست داشت و محتویات آن را روی من و لیدا ریخت و فرار کرد. با سوزشی که روی صورت و دستم حس کردم، متوجه شدم اسید است.

تحقیقات دراین‌باره ادامه داشت تا این‌که مرد جوان به نام مهرداد بعد از مرخص‌شدن از بیمارستان با مراجعه به پلیس روایت جدیدی را مطرح کرد و گفت: در دانشگاه با لیدا آشنا شدم. او دانشجوی فوق‌لیسانس بود. قصد داشتم با او ازدواج کنم اما بعد از مدتی متوجه شدم رفتار و دیدگاه او نسبت به زندگی با من متفاوت است. به همین خاطر به رابطه‌ام با او پایان دادم و با دختر دیگری نامزد کردم. روز حادثه لیدا به خانه‌ام آمد تا برای آخرین‌بار صحبت کنیم. همان موقع نامزدم هم آمد که او را دست به سر کردم تا متوجه ارتباطم با لیدا نشود. لیدا وقتی متوجه شد نامزد کرده‌ام از آشپزخانه چاقویی برداشت و تهدید کرد که خودش را می‌کشد. برای این‌که او را آرام کنم، قول دادم نامزدی‌ام را به‌هم بزنم. بعد هم روی تخت دراز کشیدم و چشمانم را بستم تا کمی آرام شوم اما ناگهان سوزش شدیدی روی دست و صورتم احساس کردم. چشمانم را که باز کردم لیدا را با ظرف اسید بالای سرم دیدم. به خاطر آبرویم ابتدا این موضوع را مخفی کردم اما الان واقعیت را می‌گویم و از لیدا شکایت دارم.

پس از این شکایت ماموران از لیدا تحقیق کردند که او پسر جوان را به عنوان عامل اسیدپاشی معرفی کرد و گفت: روز حادثه وقتی نامزد مهرداد رفت، او به سمت من آمد تا مرا آزار دهد. من هم در برابرش مقاومت کردم. او خیلی عصبی بود و از دستشویی اسید برداشت و روی من ریخت. به خاطر آبروی خود و خانواده‌ام موضوع را مخفی کردم اما حالا که مهرداد داستان را به دروغ روایت کرده از او شکایت دارم.

با توجه به شکایت دختر و پسر از یکدیگر، پرونده برای محاکمه به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد تا در دادگاه مشخص شود عامل اسیدپاشی کدامیک از آنها بوده‌اند.

مرد مقیم انگلستان تنها مظنون قتل پدر

دو خواهر بعد از مرگ مشکوک پدر سالخورده‌شان از برادرشان که مقیم انگلستان بود به اتهام قتل عمد شکایت کردند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، روزهای پایانی هفته گذشته دو خواهر با حضور نزد بازپرس دادسرای جنایی تهران از برادر میانسال خود به اتهام قتل پدرشان شکایت کردند و پرونده با دستور قضایی به اداره دهم پلیس آگاهی تهران ارسال شد.

یکی از خواهران در شکایتش گفت: پدر ۸۵ ساله‌مان با مادرم در یک خانه ویلایی در یکی از محله‌های تهران زندگی می‌کرد و طبقه اول را به مردی که پزشک عمومی بود، اجاره داده بود. به‌خاطر شرایط زندگی‌مان من و خواهرم نمی‌توانستیم از پدرمان نگهداری کنیم به همین خاطر خواستیم پرستار استخدام کنیم که پدرمان موافقت نکرد و در ادامه تلفنی با برادرمان که مقیم انگلستان بود حرف زدیم و قرار شد او برای نگهداری پدرمان به تهران بیاید.

وی افزود: چند ماهی برادرم از پدرمان مراقبت کرد تا این‌که او بدحال شد و برادرم به پدرمان انسولین تزریق کرد اما ساعاتی بعد فوت شد. پزشک همسایه‌مان هم مرگ او را تائید کرد و گواهی فوت برای پدرمان صادر شد و او را دفن کردیم. بعد از چهلم پدرمان از برادرم خواستیم که وضعیت اموال و دارایی‌های او را مشخص کند که او مدعی شد پدر قبل از مرگش مدیریت اموالش را به او سپرده و ارثیه‌ای به ما تعلق نمی‌گیرد. پدرمان در طول عمرش بیماری دیابت نداشت و انسولین تزریق نمی‌کرد، نمی‌دانیم چرا برادرم به او انسولین زد و باعث مرگ پدرمان شد. گمان می‌کنم او پدرمان را کشته تا اموالش را تصاحب کند و از برادرم به اتهام قتل‌عمد شکایت دارم.

در ادامه خواهرش گفته‌های او را تائید کرد. چند روز پیش مرد میانسال به اداره دهم پلیس آگاهی تهران احضار شد و در تحقیقات گفت: سالها در انگلستان کار و زندگی می‌کردم. بعد از بیمارشدن پدرم کارو زندگی را رها کرده و به تهران آمده و از پدرم مراقبت کردم. روزهای آخر، وضعیت جسمانی پدرم بد شده بود و همسایه‌مان که پزشک بود، وضعیت او را بررسی کرد و گفت اگر پدرم حالش بدتر شد به او انسولین ۱۵ سی‌سی تزریق کنم. روز آخر حال پدرم بدتر شد که از طریق دوستم انسولین خریدم و به همان میزان به او تزریق کردم اما بعد از گذشت چهارساعت پدرم حالش بدتر شد و فوت کرد. من پدرم را نکشتم او براثر کهولت سن فوت کرد و خودش اموالش را به من بخشیده بود.

باتوجه به مشکوک‌بودن فوت این مرد قرار شد پزشکی قانونی دراین‌باره اظهار نظر کند.

پارکورکار جنجالی پای میز محاکمه

پرونده پارکورکار جنجالی که از حرکات ورزشی خود و دختر جوانی فیلم و عکس در اینستاگرام منتشر کرده بود، با صدور جلب به دادرسی به دادگاه کیفری ارسال شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، در واپسین روزهای اردیبهشت امسال فیلم و تصاویری از دختر و پسر جوانی هنگام انجام حرکات پارکور در لبه پشت‌بام ساختمان مرتفعی در اینستاگرام منتشر شد. باتوجه به واکنش کاربران فضای مجازی به این ماجرا، پرونده‌ای در این‌باره نزد روحا... رضاپور گتابی، بازپرس شعبه سوم دادسرای امنیت اخلاقی تهران تشکیل شد. با دستور بازپرس پرونده تحقیقات درباره این پرونده در دستورکار ماموران پلیس فتای پایتخت قرار گرفت و پسر جوان در خانه‌اش در یکی از محله‌های تهران بازداشت شد.

او در جریان تحقیقات قضایی- پلیسی مدعی شد فقط حرکات ورزشی انجام داده و فکر نمی‌کرده که اعمال ورزشی‌اش او را به دردسر بیندازد.

با توجه به این‌که اقدامات این جوان دور از عرف و قانون بود برای او قرار قانونی صادر شد. بعد از مدتی متهم با سپردن وثیقه به‌طور موقت آزاد شد. در حالی که تحقیقات همچنان در ارتباط با پرونده وی ادامه داشت، معلوم شد که این متهم غیرقانونی به یکی از مرزهای غربی کشور رفته و درصدد است از کشور خارج شود که در مسیر فرار دستگیر شد. چند روز پیش آخرین جلسه تحقیق از این متهم در شعبه سوم دادسرای امنیت تهران انجام شد. متهم در جریان آخرین دفاع گفت: از کارهایی که کرده‌ام پشیمانم. من و دختر جوانی که همراهم بود فقط تمرینات ورزشی پارکور انجام می‌دادیم و نیت دیگری در کار نبود. فکر نمی‌کردم که انجام آن حرکات ورزشی و انتشار فیلم و عکس‌مان باعث ناراحتی شهروندان شود.

آخرین اظهارات متهم در جلسه بازپرسی از وی اخذ شد و برای او از سوی بازپرس پرونده، قرار جلب به دادرسی صادر شد و قرار است متهم پرونده به‌زودی در دادگاه کیفری ۲ استان تهران محاکمه شود.

کوتاه از حوادث

۳ کارگر براثر تخریب دیواره محل گودبرداری، مصدوم و روانه بیمارستان شدند.

محل حادثه قطعه زمینی به وسعت ۲۵۰ متر در خیابان جشنواره، میدان رهبر، خیابان رجایی حدود چهار متر گودبرداری شده بود. کارگران مشغول کار روی دیواره‌های ضلع شمالی بودند که یکباره بخشی از دیواره تخریب شده و سه نفر از کارگران به دلیل ریزش دیوار مصدوم و زیر آوار بودند. آتش‌نشانان در محل حاضر شدند و آنها را نجات دادند. سه کارگر مصدوم در بیمارستان بستری شدند.

مدیر آزادسازی و املاک شهرداری اصفهان از ارتفاع ۵ متری برج جهان‌نما سقوط کرده و فوت شد. ساعت ۱۰ و ۴۵ دیروز- چهارشنبه- هنگام بازدید مدیران شهرداری از ساختمان ارگ جهان‌نما، مرتضی افروزی که مدیر آزادسازی و املاک شهرداری اصفهان بود از ارتفاع پنج‌متری این ساختمان سقوط کرد و به دلیل شدت صدمات وارده فوت کرد.

۳ متهم نهاوندی محکوم به ۶ ماه خدمت در بیمارستان شدند.

سه نفر در شهرستان نهاوند که موجب نقض دستورالعمل‌های ستاد کرونا شده بودند، با حکم دادستانی به شش ماه خدمت عمومی با هفته‌ای ۱۰ ساعت کار در بیمارستان‌ها برای افراد کرونایی محکوم شدند. آنها از برگزارکنندگان مراسم عروسی و گردانندگان قلیان‌سراها بودند و یک نفر مداح نیز میان آنها بود.

مردی که به اتهام راهبندان و سرقت‌های مسلحانه بازداشت‌شده بود به دو قتل هم اعتراف کرد.

وقوع چند فقره راهبندان و سرقت مسلحانه در شهرستان دلگان به پلیس گزارش شد که معلوم شد یک شرور سابقه‌دار این سرقت‌ها را انجام داده است. همچنین در بررسی از سوابق کیفری‌اش معلوم شد وی در شهرستان جیرفت استان کرمان به خاطر اختلاف مالی، دو مرد جوان را به قتل رسانده و تحت تعقیب پلیس آنجاست. متهم فراری مخفیگاهش دریکی از روستاهای شهرستان دلگان به دست آمد و در آنجا بازداشت شد و مهمات جنگی و نیز نیسان سرقتی که او در این سرقت‌ها از آن استفاده می‌کرد، کشف شد.

پسر ۲۱ ساله سندرم داون که مرگ مغزی شده بود، به ۴ بیمار زندگی بخشید.

این پسر جوان که فرهاد نام داشت بر اثر مسمومیت با دارو بدحال شده و در بیمارستان شریعتی کرج بستری بود که مرگ مغزی او بعد از چند روز تایید شد و مادر او رضایت داد و ۴ عضو بدن وی به بیماران اهدا شد

۴ نفر از اعضای یک باند حرفه‌ای و مسلح آدم‌ربایی در شهرستان زاهدان بازداشت شدند. اعضای این باند مرداد سال گذشته بعد از آدم‌ربایی و اخاذی از خانواده مردی متواری بودند که چند روز پیش در مخفیگاهشان بازداشت شدند آنها به این آدم‌ربایی و دو آدم‌ربایی در کرمان اعتراف کردند.

مرد جوان به خاطر حسادت برادرش را به داخل چاه روستا انداخت و باعث مرگ وی شد.

پسر جوانی در استان گلستان گم شد و بعد از چند روز پلیس در تلاش برای یافتن وی بود که معلوم شد برادر وی همیشه به او حسادت می‌کرده و با هم اختلاف داشتند. این جوان بازداشت شد و در جریان تحقیقات اعتراف کرد: به خاطر حسادت برادرم را در چاه آب حوالی روستای ورسن انداختم که باعث مرگ وی شد. با اعتراف متهم مأموران همراه گروهی از آتش‌نشانان به محل موردنظر اعزام شدند و بعد از جست‌وجوی فراوان، جسد را از داخل چاه بیرون آوردند. تحقیقات از مرد برادرکش ادامه دارد.

برخورد پژو با مینی‌بوس منجر به مرگ ۲ برادر شد.

خودروی پژوی ۴۰۵ با مینی‌بوسی که در حال حرکت بود، در خروجی شهر سیرجان به بافت تصادف کرد. دو سرنشین پژو که برادر بودند، مصدوم شدند، اما به دلیل شدت صدمات وارده فوت کردند.

یکی از اهالی شهر هورامان در جریان تعقیب و گریز پلیسی با یک متهم هدف شلیک گلوله قرار گرفت و فوت شد

مأموران پاسگاه هورامان، هنگام گشتزنی به یک خودروی تویوتا لندکروز مظنون و با اخطار از راننده خواستند توقف کند و تسلیم شود که او توجهی نکرد، مأموران در این تعقیب و گریز به خودرو شلیک کردند تا متوقف شود، اما یکی از تیرها به رینگ خودرو اصابت کرده و بعد از کمانه کردن به فردی از اهالی روستا که هنگام عبور از محل بود، برخورد کرد که باعث زخمی شدن و سرانجام مرگ وی شد.